

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۲

مقدمه، بخش ۲

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دیوید ترنر هستم در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا. این جلسه دوم، مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا، بخش دوم، مسائل تاریخی و متنی است.

سلام، در دومین ویدیویمان دوباره به انجیل یوحنا برگشتیم.

اولین ویدیوی ما سعی داشت شما را با جنبه‌های الهیاتی و ادبی انجیل آشنا کند، و حالا برگشته‌ایم تا دومین، ویدیوی مقدماتی را بسازیم، این بار بیشتر در مورد مسائل تاریخی، اینکه چگونه به انجیل یوحنا رسیدیم زمینه تاریخی متن، و اینکه چگونه امروزه به آن رسیدیم، و انواع نقد متنی. بنابراین، دوباره، ما در برکه یوحنا غوطه‌ور می‌شویم و مقداری از آن را دریافت می‌کنیم، اما ممکن است در آن غرق شویم، خیلی عمیق می‌شود. بنابراین، ما سعی داریم شما را با چیزهایی که باید در مورد این انجیل به آنها فکر کنید آشنا کنیم، اما به سختی وانمود می‌کنیم که همه چیزهایی را که باید گفته شود پوشش می‌دهیم.

بنابراین، ما همان چیزی را که یوحنا در انتهای خود کتاب گفته است، تکرار می‌کنیم که هر آنچه باید در مورد انجیل یوحنا گفته شود، نمی‌توانیم بگوییم وگرنه تمام دنیا پر از چیزهایی می‌شود که باید در مورد انجیل یوحنا گفته شود. بنابراین، ما امروز فقط چند قطره از اقیانوس را اینجا می‌گیریم و امیدواریم که در زندگی و خدمت شما مفید باشد. بنابراین، همانطور که در مورد موقعیت تاریخی یوحنا و همه چیز فکر می‌کنیم نمی‌توانم از ذکر این کتاب خوب نوشته کریگ بلومبرگ در مورد اعتبار تاریخی انجیل یوحنا خودداری کنم.

کریگ در مورد اینکه چقدر از کتاب یوحنا به زمینه تاریخی مربوط می‌شود، صحبت کرده و در مورد برخی از مشکلات تاریخی کتاب صحبت کرده است، بنابراین این کتاب یک منبع کلی عالی در مورد مسائل تاریخی و برای انجیل یوحنا بود. بنابراین، اولین چیزی که می‌خواهیم در رابطه با زمینه تاریخی یوحنا مورد بحث قرار دهیم، موضوع نویسندگی آن است و برای بحث در مورد نویسندگی یوحنا، در مورد شواهد داخلی و خارجی صحبت می‌کنیم. شواهد خارجی مربوط به آنچه ما در مورد انجیل یوحنا از افرادی که در کلیسای اولیه در مورد آن صحبت کرده‌اند، می‌دانیم، است.

شواهد درونی اساساً همان چیزی است که خود کتاب در مورد اینکه نویسنده آن چه کسی بوده است، بیان می‌کند. بنابراین، ما با شواهد بیرونی شروع می‌کنیم و فقط توجه داریم که در کلیسای اولیه، از اوایل قرن دوم، افرادی مانند ایرنائوس، کلمنت اسکندریه و پاپیاس، همانطور که در یوسیبوس ذکر شده و در قرن چهارم نوشته شده است، درباره یوحنا و درباره نویسندگی و محیط آن و چگونگی شکل‌گیری آن صحبت کرده‌اند. این نوشته‌ها، به ویژه نظر یوسیبوس در مورد پاپیاس، از این جهت جالب هستند که معمولاً یوحنا را به شهر افسس در غرب آسیای صغیر مرتبط می‌کنند و ما در مورد چگونگی پایان زندگی و خدمت یوحنا در آنجا صحبت خواهیم کرد.

اما گفته پاپیاس به ویژه از این جهت جالب است که او نه تنها به یوحنا حواری، بلکه به یوحنا پیر نیز اشاره می‌کند. و بنابراین، ما با برخی مشکلات تفسیری در مورد پاپیاس مواجه هستیم که سعی می‌کند بفهمد آیا او در مورد دو شخص، دو یوحنا متفاوت، یوحنا شاگرد به عنوان یک فرد و یوحنا پیر به عنوان فردی دیگر صحبت می‌کرده است یا خیر. همه به پاپیاس اینگونه نگاه نمی‌کنند.

ممکن است او در مورد یک نفر صحبت می‌کند که فقط از آن دو عنوان متفاوت برای آنها استفاده می‌کند. اما اگر می‌خواهید به طور کامل‌تر به این موضوع بپردازید، این موضوع کمی گیج‌کننده است که سعی کنید بفهمید پاپیاس دقیقاً به چه چیزی در مورد یوحنا پیر اشاره می‌کرده است. به نظر من به عنوان یک متخصص غیر یوحناپی، اما کسی که چند سالی است که با یوحنا و بسیاری از چیزهای دیگر کار می‌کند، انجیل یوحنا قطعاً حداقل به طور غیرمستقیم به یوحنا رسول، شاگرد دوازده حواری، مرتبط است.

و چه یک یوحنا پیر وجود داشته باشد یا دیگر یاران یوحناپی که هسته چیزی را که جامعه یوحناپی نامیده می‌شود، تشکیل داده‌اند، فکر می‌کنم باید بگوییم که آموزه‌های این کتاب، عیسی است که از طریق یوحنا عضو دوازده حواری، شاگرد اصلی، فیلتر شده است. و این انجیل مطابق با آن سنت است، سنتی که از یوحنا رسول، یکی از دوازده حواری، آمده است. آنچه می‌توانیم از شواهد درونی بیاموزیم اساساً این است که نویسنده این انجیل یک شاهد عینی بوده است، کسی که یکی از دوازده حواری، یکی از پیروان اصلی عیسی بوده است.

وقتی می‌گویید، ما جلال او را دیدیم، تأیید می‌کند که او کسی است که واقعاً آنجا بوده و چیزهایی را که از آنها صحبت می‌کند، دیده است. البته، ما اشارات دیگری به شاگرد محبوب در انجیل یوحنا داریم، و شاگرد محبوب کسی است که از همه به عیسی نزدیک‌تر بود و همانطور که متن در یوحنا ۱۳ می‌گوید، در وعده غذایی بر سینه عیسی تکیه زد. ما کمی وقت خواهیم گذاشت تا سعی کنیم معنای این را در چیدمان سه کانا به روم باستان به نام تریکلینیوم بعداً بررسی کنیم، اما واضح است که شواهد داخلی، چه آن را بپذیرید و چه نپذیرید، تأیید می‌کند که شخصی که این کتاب را نوشته، از نزدیکان، دوستان صمیمی و همراه عیسی بوده است.

بنابراین، آنچه در این کتاب داریم، همانطور که کتاب در فصل ۲۱ به پایان می‌رسد، اشاره‌ای به این فرد شاگرد محبوب، است و شاگرد محبوب تأیید می‌کند که ما می‌دانیم شهادت او درست است. او هرگز واقعاً نمی‌گوید نام او چیست، اما می‌گوید، شما می‌دانید که من آنجا بوده‌ام و این کار را انجام داده‌ام، بنابراین می‌دانم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنم. بنابراین، ما در اینجا به یوحنا ۲۱، آیه ۲۵ نگاه می‌کنیم.

عیسی کارهای بسیار دیگری نیز انجام داد. اگر تک تک آنها نوشته می‌شد، گمان می‌کنم حتی تمام دنیا هم جایی برای کتاب‌هایی که باید نوشته می‌شدند، نداشت. بنابراین، او کاملاً روشن می‌کند که بخشی از خدمت اولیه عیسی بوده و از آنچه می‌گوید آگاه است.

از آنجایی که او نامی از خود نمی‌برد، ما چیزی داریم که، حدس می‌زنم، می‌توانیم آن را شهادت غیرمستقیم به نویسنده بنامیم، نه شهادتی خاص که نام نویسنده را ذکر کند، بلکه اشاره‌ای بسیار کلی به کسی که به طور رمزآلودی به عنوان شاگرد محبوب معرفی شده است. و بنابراین، وقتی صحبت از نویسنده کتاب می‌شود، گمنامی کامل نداریم. ما نوعی گمنامی مشروط داریم.

و از طریق سنت اولیه کلیسا، این شواهد تا حدودی غیرمستقیم که در خود کتاب داریم، حداقل توسط اکثریت کلیسا، به عنوان اشاره‌ای به شاگرد محبوب به عنوان یوحنا، یک شاگرد، عضوی از ۱۲ نفر اصلی درک شده است. وقتی در مورد مخاطبان مورد نظر برای انجیل یوحنا فکر می‌کنیم، اخیراً بحث بزرگی در مطالعات انجیل در مورد اینکه آیا یوحنا برای کل انجیل نوشته شده است، برای مخاطبان گسترده یا محدودتر، وجود داشته است. من حدس می‌زنم در نیمه دوم قرن بیستم، از دیدگاه رشته‌ای که به عنوان نقد ویرایش شناخته می‌شود، این فکر که نویسندگان انجیل‌ها سنت‌های خود را که در دسترسشان بوده است به گونه‌ای ویرایش یا ویرایش کرده‌اند که به طور خاص برای رفع نیازهای جوامع مربوطه‌شان تنظیم شده است، رواج پیدا کرده است.

بنابراین، تا حدودی، این جوامع مربوطه به داورانی برای چگونگی درک ما از محتوای انجیل تبدیل شدند. بنابراین، این نظریه که محتوای انجیل مبتنی بر جامعه است، به نوعی دور باطل تبدیل شد و افرادی مانند ریچارد بالکومب، همانطور که در ادامه خواهیم دید، علیه این رویکرد به انجیل‌ها صحبت کرده‌اند. اما برای لحظه‌ای، بیایید فقط به برخی از تفکرات امروزی در مورد مخاطبان یوحنا فکر کنیم.

روایات باستانی، همان‌هایی که در اسلاید قبلی به آن‌ها اشاره کردیم، معمولاً یوحنا را در افسس یا نزدیک آن قرار می‌دهند و پایان خدمت او در آنجا انجام شده است، بنابراین مطالب او برای کلیسای آن منطقه خاص نوشته شده است. البته، پس از آن زمان که در ابتدا در افسس متمرکز بود، به طور گسترده‌تری در کلیسا پخش شد.

جی. لوئیس مارتین و دیگران این نظریه را دارند که انجیل یوحنا برای مسیحیان، به ویژه مسیحیان یهودی که در حفظ ارتباط خود با کنیسه‌های سراسر جهان مشکل داشتند، نوشته شده است. به دلیل وفاداری به عیسی، آنها از کنیسه بیرون رانده می‌شدند. بنابراین، مارتین معتقد بود که متونی مانند یوحنا ۹ که به مرد نابینایی که عیسی او را شفا داد اشاره دارد، و متونی مانند ۱۲:۴۲ که به کسانی اشاره دارد که به عیسی ایمان آورده بودند اما علناً این موضوع را فاش نمی‌کردند، زیرا اگر فاش می‌شد، از کنیسه بیرون رانده می‌شدند، و در که عیسی به شاگردان هشدار می‌دهد که مورد آزار و اذیت قرار خواهند گرفت و آزار و اذیت آنها شامل ۱۶ بیرون رانده شدن آنها از کنیسه نیز می‌شود.

بنابراین، مارتین معتقد بود که انجیل یوحنا برای این گروه از مسیحیان نوشته شده است که اساساً به دلیل ایمانشان به عیسی مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند، عیسی که از کنیسه‌های سراسر آسیای صغیر غربی جهان اخراج می‌شد. تفکر رایجی که خلاف این را مطرح می‌کند، مبتنی بر کتابی از ریچارد باوکهام با عنوان «انجیل برای همه مسیحیان» است و باوکهام این کتاب را ویرایش کرده و فصل اول آن را نوشته است.»

مقاله او «انجیل‌هایی برای همه مسیحیان» نام دارد. نام کتاب از مقاله او گرفته شده است، و بالکام گفته است که این ایده که انجیل‌ها برای جوامع بسیار کوچک نوشته شده‌اند، و سپس جوامع بسیار کوچکی که نظریه‌پردازی شده‌اند، به کل مبنای تفسیر کتاب تبدیل می‌شوند، یک دور باطل است، و بنابراین فرضیه توسط داده‌ها تأیید می‌شود زیرا داده‌ها فرضیه را تأیید می‌کنند، و بنابراین چیزی که من اخیراً شنیده‌ام سوگیری تأیید نامیده می‌شود، این است که اگر شما در مورد چیزی نظریه‌ای دارید، تمایل دارید فکر کنید که می‌توانید آن را با شواهد اثبات کنید زیرا شما صرفاً از دیدگاه اثبات نظریه‌ای که در پیش گرفته‌اید، به شواهد نگاه می‌کنید. بنابراین باوکهام در این کتاب شواهدی را در مورد اینکه چرا هر چهار انجیل نوشته شده‌اند، نه برای گروه‌های سلولی جداگانه در این شهر کوچک یا این مکان کوچک، یا یک طبقه خاص از مسیحیان در امپراتوری روم، بلکه برای همه مسیحیان نوشته شده‌اند، گردآوری کرده است، و بنابراین تفاوت‌های انجیل‌ها با تفاوت‌های بین مخاطبان توضیح داده نمی‌شود، بلکه تفاوت‌ها در انجیل‌ها با تأکید فردی نویسنده بر اینکه او می‌خواسته است ساختن.

بنابراین، تمرکز بیشتر بر ارزیابی نویسنده از نیازهای کلیسا به عنوان یک کل است، و انجیل‌ها با آگاهی از سایر نشريات نوشته شده‌اند، اما نه برای بخش کوچکی از مخاطبان، بلکه برای آنچه نویسنده فکر می‌کرد کلیسا به عنوان یک کل نیاز به شنیدن آن دارد، نوشته شده‌اند. بنابراین، این کتاب خوبی در این زمینه است و شامل مقالات جالب دیگری نیز در مورد چگونگی انتشار ادبیات باستانی در امپراتوری روم و چگونگی توزیع گسترده انجیل‌ها نه تنها در یک منطقه کوچک، بلکه در سراسر امپراتوری در مدت زمان نسبتاً سریعی است. بنابراین، استدلال باکام به نوعی نقطه مقابل آنچه مارتین و دیگران در مورد مخاطبان محدود یوحنا می‌گفتند، است.

نکته‌ای که همه ما متوجه آن می‌شویم این است که انجیل یوحنا یک انجیل کاملاً یهودی است. ویژگی‌های یهودی زیادی در آن وجود دارد. احتمالاً می‌شنویم که برخی می‌گویند یوحنا یهودی‌ترین انجیل است، و سپس می‌شنویم که برخی می‌گویند، نه، متی یهودی‌ترین انجیل است.

بنابراین، من نمی‌دانم چگونه می‌خواهیم این مشکل را حل کنیم. هر دو روش متفاوتی برای نشان دادن چگونگی تأثیر یهودیت بر عیسی و چگونگی مسیح بودن عیسی به عنوان مسیح اسرائیل دارند و من نمی‌دانم که آیا دیگر نیازی به بحث در مورد این سوال داریم یا خیر. اما کاملاً واضح است که ویژگی‌های یهودی زیادی در یوحنا وجود دارد و یوحنا دائماً از طریق کنایه یا نقل قول به عهد عتیق اشاره می‌کند.

پیشگفتار انجیل یوحنا به وضوح عیسی را به فصل اول پیدایش، به وضوح عیسی را به موسی، به وضوح یحیی تعمید دهنده، پیشگام عیسی، به ملاکی و به فصل ۴۰ اشعیا مرتبط می‌کند. بنابراین، ما ریشه‌های عهد عتیق زیادی در این انجیل داریم که نمی‌توان آنها را انکار کرد. همچنین احتمال دارد که یوحنا کمی دیرتر نوشته باشد، این سنت متفق‌القول است، و شاید یوحنا به عنوان مکملی برای اناجیل هم‌نوا نوشته شده باشد.

به نظر می‌رسد که ما نه تنها از روی حدس و گمان، بلکه از روی بیانیه‌ای در مورد چگونگی شروع انجیل یوحنا که کمی بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد، به این ایده رسیده‌ایم که این انجیل درست است، بنابراین، اکثر محققان امروز فکر می‌کنند که انجیل یوحنا در اواخر قرن اول، شاید حدود سال ۹۰ میلادی نوشته شده است. برخی آن را کمی دیرتر می‌دانند، یک مکتب فکری وجود دارد، از جمله جان ای. تی. رابینسون، که سعی کرد استدلال کند که انجیل یوحنا قبل از سال ۷۰ میلادی نوشته شده است.

در آن زمان، یوحنا خیلی زود تاریخ‌گذاری شده بود، افراد زیادی در آن بحث از او پیروی نکرده‌اند. ما نوعی پایانه داریم که نشان می‌دهد یوحنا باید تا این تاریخ نوشته شده باشد، زیرا قدیمی‌ترین سند از دوران عهد است، که معمولاً حدود سال ۱۲۵ میلادی است. برخی به قبل‌تر و برخی کمی بعدتر P52 جدید مربوط به مربوط می‌شوند، اما به نظر من ۱۲۵ تاریخ نسبتاً مطمئنی برای آن است.

بنابراین، کاملاً مشخص است که انجیل یوحنا چند دهه قبل از آن نوشته شده و وجود داشته است، وگرنه نسخه خطی از آن که در آن زمان نوشته شده باشد، وجود نداشت. بنابراین، در اواسط قرن دوم، یوحنا کاملاً شناخته شده بود. پس چگونه یوحنا را به انجیل‌های هم‌نوا ربط می‌دهیم؟ بنابراین، در اینجا سؤالاتی می‌پرسیم، چگونه یوحنا تا این حد با انجیل‌های هم‌نوا متفاوت است، و چگونه یوحنا از برخی جهات به آنها شباهت دارد؟ بنابراین، زمینه‌های مشترک محتوایی بین یوحنا و انجیل‌های هم‌نوا چیست؟ میزان علاقه تاریخی آنها چقدر است؟ گرایش آنها به جغرافیا چیست؟ آنها چگونه به عنوان ادبیات ساختار یافته‌اند؟ چگونه داستان را روایت می‌کنند؟ و در نهایت، چگونه به تأکیدات الهیاتی آنها نگاه می‌کنیم و چگونه متفاوت هستند؟ بنابراین، اکنون اسلایدی را به شما نشان می‌دهم که فکر نمی‌کنم بتوانید آن را در ویدیو ببینید، اما فکر می‌کنم به این مطالب به گونه‌ای دسترسی خواهید داشت که بتوانید آن را به صورت چاپی ببینید و بتوانید این موضوع را بهتر درک کنید.

از این بابت عذرخواهی می‌کنم، اما نباید خیلی شما را دستپاچه کند. بنابراین، ساختار چهار انجیل را می‌توان به صورت یک نمودار مقایسه‌ای ترسیم کرد. و وقتی به نحوه چینش آنها فکر می‌کنیم، به وضوح می‌بینیم که هر دو در مورد رسالت عمومی عیسی و در مورد شور و اشتیاق در اورشلیم که منجر به رستاخیز عیسی و اتفاقاتی که پس از آن رخ داد، صحبت می‌کنند.

بنابراین، چه در مورد مرقس، متی، لوقا یا یوحنا صحبت کنیم، این علاقه مشترک را در مورد یک خدمت جلیلی، یک خدمت عمومی و زمانی در اورشلیم و همچنین رستاخیز آنچه پس از مصلوب شدن عیسی اتفاق

افتاد، داریم. برای رسیدن به اصل موضوع، این اسلاید بعدی، که فکر می‌کنم می‌توانید آن را ببینید، دوباره به مطالب کتبی خود مراجعه کنید تا اسلاید قبلی را ببینید. چیزی که در مورد آن اشاره می‌کنیم این است که هم انجیل‌های هم‌نوا، متی، مرقس و لوقا، و هم یوحنا، حرف‌های زیادی برای گفتن در مورد جلیل و حرف‌های زیادی برای گفتن در مورد اورشلیم دارند.

تفاوت این است که در سنت هم‌نوا، عیسی به عنوان کسی معرفی می‌شود که در جلیل خدمتی داشته که منجر به سفری در نزدیکی پایان خدمتش به اورشلیم می‌شود و سپس پس از رستاخیز دوباره با شاگردان در جلیل ملاقات می‌کند. با این حال، در انجیل یوحنا، اوضاع کاملاً متفاوت است. در انجیل یوحنا، عیسی خیلی زود در فصل ۲ از جلیل به اورشلیم نقل مکان می‌کند، سپس به جلیل بازمی‌گردد، سپس دوباره به اورشلیم بازمی‌گردد، و این روند بارها و بارها تکرار می‌شود.

اوضاع کاملاً مثل قبل پیش نمی‌رود. عیسی در انجیل یوحنا سفرهای زیادی به این سو و آن سو دارد. نکته‌ای که در این مورد برجسته و بسیار شگفت‌انگیز است، این است که رویدادی که سنت سینوپتیک آن را نزدیک به پایان رسالت عیسی قرار می‌دهد، زمانی است که او به اورشلیم می‌رسد، او حادثه معبد را دارد که در آن صرافان را اخراج می‌کند.

این واقعه در ابتدای انجیل یوحنا رخ می‌دهد. شاگردان انجیل بحث‌های زیادی در مورد چگونگی این اتفاق و چگونگی درک زمان وقوع آن دارند. انجیلی‌هایی که معتقدند این اتفاق افتاده است، دو رویکرد متفاوت نسبت به آن دارند، یا فکر می‌کنند که عیسی واقعاً دو بار معبد را پاکسازی کرده است.

فکر می‌کنم افراد بیشتری فکر می‌کنند که او فقط یک بار این کار را انجام داده است. از بین آنها، اکثریت می‌گویند که انجیل‌های هم‌نوا منشأ تاریخی آن را حفظ می‌کنند، و یوحنا آن را در اوایل خدمت عیسی به عنوان یک موضوع موضوعی و موضوعی قرار داده است تا مشکلات عیسی با رهبران یهودی را در اوایل خدمتش نشان دهد و آن واقعه را تا پایان به تعویق نیندازد. این نکته قابل بحث است.

ما در اینجا فقط سعی داریم بفهمیم که انجیل یوحنا چگونه داستان را روایت می‌کند، نه اینکه دقیقاً چگونه باید این موضوع خاص را بفهمیم. نکته اصلی این است که تمرکز یوحنا بر جغرافیا بسیار متفاوت از تمرکز انجیل‌های هم‌نوا است. در انجیل یوحنا، عیسی در اوایل در اورشلیم است، به جلیل برمی‌گردد، به اورشلیم برمی‌گردد، به جلیل برمی‌گردد، دوباره به اورشلیم برمی‌گردد، و در نهایت قبل از بازگشت برای شفای لازاروس و رسیدن به آنچه که ما در سنت هم‌نوا معمولاً ورود پیروزمندانه می‌نامیم، یک وقفه کوتاه در شرق اردن دارد.

٪خب، واقعاً چه مقدار از انجیل یوحنا در انجیل‌های هم‌نوا یافت می‌شود؟ معمولاً می‌شنویم که فقط ۱۰٪ از انجیل یوحنا در انجیل‌های هم‌نوا یافت می‌شود. این تقریباً یک چیز قطعی است که همه با آن موافقند بنابراین، به عبارت دیگر، فقط حدود ۱۷۰ آیه از ۷۷۸ آیه انجیل یوحنا مطالبی دارند که با انجیل‌های هم‌نوا همپوشانی دارند.

اینجا ما حتی در مورد تطابق دقیق کلمات و عبارات صحبت نمی‌کنیم، فقط همپوشانی به این معنا که آنها مطالب یکسانی را پوشش می‌دهند و داستان یکسانی را برای شما تعریف می‌کنند. بنابراین، اگر لحظه‌ای وقت بگذاریم و مطالبی را که در انجیل یوحنا و انجیل‌های هم‌نوا با هم همپوشانی دارند، مرور کنیم، باید بگوییم که شهادت یحیی تعمید دهنده به عیسی در انجیل یوحنا بسیار متفاوت از انجیل‌های هم‌نوا است، اما به نظر من اصل مطلب بسیار بسیار مشابه است.

بنابراین، در یوحنا فصل ۱ آیات ۱۹ تا ۲۸، به شهادت یحیی به عیسی اشاره می‌کنیم. موضوع پاکسازی معبد توسط عیسی را در اوایل انجیل یوحنا و بعداً در انجیل‌های هم‌نوا می‌بینیم، اما این موضوع مشترک است. شفای پسر صاحب‌منصب احتمالاً همان واقعه در یوحنا ۴ است که در انجیل‌های هم‌نوا می‌بینیم.

غذا دادن عیسی به جمعیت در فصل ۶ تنها معجزه‌ای است که در هر چهار انجیل رخ می‌دهد. راه رفتن عیسی روی آب درست پس از آن در متی و لوقا نیز یافت می‌شود. توطئه رهبران یهود برای کشتن عیسی، آشکارا در سنت هم‌نوا یافت می‌شود.

مسح عیسی در بیت عنیا، آنچه ما ورود پیروزمندانه می‌نامیم، یکشنبه نخل، پیشگویی انکارهای پطرس توسط عیسی، خیانت به عیسی و دستگیری او، عیسی در حضور کاهن اعظم، انکارهای پطرس توسط عیسی در حالی که همه این اتفاقات در حال رخ دادن است، حضور عیسی در حضور پیلاتس، صدور حکم اعدام توسط پیلاتس، مصلوب شدن و مرگ عیسی، که در هر چهار انجیل به وضوح آمده است، دفن او رستاخیز او، و ظهور او پس از رستاخیز در برابر شاگردان. همه این چیزها مشترک هستند. ببخشید، باید چیزی بنوشم.

بنابراین، تمام این اطلاعاتی که لحظه‌ای پیش به آنها اشاره کردیم، با مرور سریع، به ما نشان می‌دهد که اگرچه یوحنا کاملاً متفاوت است، اما تعدادی از موارد مشترک بین یوحنا و سنت هم‌نوا وجود دارد. این موضوع حتی در دوران باستان مورد بحث و شناخته شده بود، بنابراین ما این نقل قول معروف از کلمنت اسکندریه از قرن دوم را داریم که توسط یوسیبوس در قرن چهارم نوشته شده است و به این صورت ترجمه شده است، یوحنا در آخر، با آگاهی از اینکه حقایق ظاهری در انجیل‌های هم‌نوا بیان شده است، کلمه هم‌نوا را اضافه کردم، که مرجع اوست، بدیهی است که این اصطلاحی نیست که کلمنت استفاده کرده باشد، حقایق ظاهری در انجیل‌ها بیان شده بود، او توسط شاگردانش ترغیب شد و با الهام الهی از روح انجیلی روحانی نوشت. ترجمه با اصطلاحات ظاهری و روحانی برای توصیف دو انجیل بازی می‌کند.

زبان اصلی کلمنت اساساً از تمایز بین امور جسمانی و نفسانی، یعنی امور بیرونی یا خارجی در مقابل امور درونی یا معنوی، صحبت می‌کرد. بسیاری از ما در سنت انجیلی دقیقاً از تمام هرمنوتیک‌هایی که از اسکندریه و مصر، مانند هرمنوتیک اوریگن و کلمنت و امثال آنها، بیرون آمده‌اند، راضی نیستیم و بسیاری از ما تمایل داریم هرمنوتیک انطاکیه‌ای افرادی مانند کریسوستوم را ترجیح دهیم، اما آنها در اینجا بر چیزی انگشت گذاشته‌اند که همه باید آن را بپذیرند، چه از این اصطلاح خوششان بیاید چه نه. بنابراین شاید شما نخواهید یوحنا را با انجیل‌های هم‌نوا با صحبت از تفاوت بین امور جسمانی، بیرونی، جسمانی، در مقابل امور درونی، روحانی مقایسه کنید.

شاید شما این طرز فکر در مورد این اصطلاحات را دوست نداشته باشید، اما نکته‌ای وجود دارد که باید در مورد آن فکر کنیم و آن این است که اگر این زمینه تاریخی درست باشد و یوحنا واقعاً به عنوان مکملی برای سنت هم‌نوا می‌نویسد، واضح است که او نمی‌خواسته دوباره آن نوع دیدگاه را تکرار کند. بنابراین، یوحنا آشکارا، بسیار گزینشی‌تر از سنت هم‌نوا عمل می‌کند و موارد خاصی را از زندگی عیسی و افرادی که ملاقات کرده بود، انتخاب می‌کند تا این ایده را ترویج دهد که مردم باید نشانه‌های او را ببینند، به او اعتماد کنند و با ایمان به او زنده شوند. البته، این رویکرد، محدودتر از سنت هم‌نوا خواهد بود که بیشتر بر پادشاهی خدا و چیزهای گسترده‌تر و آموزه‌های عیسی تمرکز دارد.

بنابراین، وقتی به انجیل یوحنا نگاه می‌کنیم و آن را به عنوان انجیل روحانی در نظر می‌گیریم، به نظر من، چه بخواهیم از کلمه روحانی استفاده کنیم و چه نه، بلافاصله تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم، با روشی که یوحنا با مقدمه شروع می‌کند و عیسی را به عنوان خالق در کتاب پیدایش مرتبط می‌کند. روشی که انجیل یوحنا

شروع به استفاده از زبانی می‌کند که ماهیتاً استعاری است. نیکودیموس در درک منظور عیسی وقتی به او می‌گوید که باید از آب و روح متولد شود، مشکل دارد.

در اوایل فصل دوم، حتی قبل از نیکودیموس، عیسی از نابودی معبد و نابودی بدن خود سخن گفت. وقتی عیسی در یوحنا ۴ با زن در کنار چاه ملاقات می‌کند، به او آب حیات می‌دهد. البته، زن کاملاً نمی‌فهمد که این چگونه کار می‌کند تا زمانی که زن با دقت بیشتری آن را برای او توضیح می‌دهد.

بنابراین، استفاده یوحنا از زبان استعاری، استفاده او از نمادها و معانی دوگانه عمدی که او به کار می‌برد، فکر می‌کنم شاید همان چیزی باشد که کلمنت هنگام صحبت در مورد یوحنا به عنوان انجیل معنوی سعی در بیان آن داشت. من فکر می‌کنم این یک نظر بسیار تحریک‌آمیز است، نظری که به ما کمک می‌کند تا بفهمیم در انجیل یوحنا چه می‌گذرد و به ما کمک می‌کند تا توضیح دهیم که چگونه یوحنا از بسیاری جهات با انجیل‌های هم‌نوا متفاوت است. بنابراین، اگر به یکی از تفاوت‌ها، یعنی حوزه جغرافیا، بپردازیم و فقط سعی کنیم انجیل یوحنا و جغرافیا را درک کنیم، تفاوت اصلی این است که عیسی در یوحنا چندین بار بین جلیل و اورشلیم رفت و آمد می‌کند، برخلاف نحوه ارائه آن در انجیل‌های هم‌نوا.

علاوه بر این، یوحنا در انجیل خود درباره اعیاد مختلف یهودی که عیسی در آنها شرکت می‌کند، مطالب زیادی برای گفتن دارد و این باعث می‌شود که او تقریباً ناخواسته به ما بگوید که خدمت عیسی سه سال طول کشیده است، زیرا در انجیل یوحنا سه عید فصح مختلف وجود دارد که عیسی در آنها شرکت می‌کند. ما فقط با خواندن سنت سینوپتیک این را نمی‌دانستیم. بنابراین، اگر به سمت اسرائیل و فلسطین و نحوه توزیع سرزمین در مناطق گرایش دارید، اگر نه، به سرعت متوجه خواهیم شد که عیسی البته اهل جلیل است و او مدتی را در سامره، که منطقه‌ای میانی بین جلیل و یهودیه است، می‌گذراند و البته بسیاری از شخصیت‌های آن زمان در اورشلیم بوده‌اند.

با فرض اینکه شما با این طرح کلی زمین آشنا هستید، نقشه را به پهلوی می‌اندازیم و جهت شرقی را در نظر می‌گیریم. فکر می‌کنم این جهت‌گیری شاید از بسیاری جهات نسبت به نقشه شمال-جنوب که ما در جهان غرب بیشتر به آن عادت داریم، ارجحیت داشته باشد، زیرا فکر می‌کنم بیشتر به نحوه تفکر واقعی آنها در آن زمان مربوط می‌شود، که دریای مدیترانه مرز آن بود. بنابراین، ما دریای جلیل را اینجا در شمال داریم، با نور و سایه.

مطمئن نیستم که بتوانید آن را ببینید. دریای جلیل، بخش زیادی از یوحنا در اطراف این منطقه رخ می‌دهد. ما دره رود اردن را داریم که این نقشه توپوگرافی زیبا آن را به عنوان یک شکاف زمین‌شناسی نشان می‌دهد و ما را به پایین‌ترین نقطه روی زمین، دریای مرده، حدود ۱۲۰۰ فوت، ۱۳۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا هدایت می‌کند.

ناصره، جایی که عیسی در سنت سینوپتیک متولد می‌شود و در انجیل یوحنا نیز از آن نام برده شده است، در همین منطقه جلیل، در غرب دریای جلیل قرار دارد. البته اورشلیم، در جنوب، در دامنه اصلی کوهستانی که از دره اردن سرچشمه می‌گیرد. از این منظر، حدود ۲۷۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا و ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا در اینجا.

خب، اینجا مسافت نسبتاً زیادی، حدود ۲۴ کیلومتر، از چند هزار پا بالا می‌رود. این یک مسیر شیب‌دار است. تصور کنید که پیاده یا سوار بر الاغ در آن منطقه حرکت کنید.

بنابراین، ما فقط در مورد حدود ۵۰ مایل بین ناصره و اورشلیم صحبت می‌کنیم. بنابراین آن دسته از ما که حداقل در غرب زندگی می‌کنیم، با کشورهای نسبتاً بزرگ و فضای آرنج زیاد در جهان، وقتی به اسرائیل

می‌رویم، ابتدا تحت تأثیر کوچکی آن قرار می‌گیریم. پس اگر بیشتر در مورد اورشلیم فکر کنیم، رویدادهای مختلفی در انجیل یوحنا در داخل و اطراف اورشلیم رخ می‌دهد، مانند شفای فلج توسط عیسی در استخر بتسدا، که احتمالاً اینجا در شمال معبد است.

حوض سیلوخا اینجا در انتهای جنوبی شهر پایینی قرار دارد. کوه معبد اینجا است. قلعه آنتونیا، دژ رومی اینجا در گوشه شمال غربی معبد قرار دارد.

بسیاری از مردم فکر می‌کنند که شام آخر عیسی در اتاق بالا، جایی که امروزه آن را کوه صهیون می‌نامند برگزار شد، که با نام کوه صهیون در کتاب مقدس متفاوت است. کوه صهیون در کتاب مقدس، شهر داوود در همین نزدیکی، درست در جنوب معبد است. بعدها، کوه صهیون به تپه غربی در این منطقه اطلاق شد.

کوه زیتون کوهی است که تقریباً در شمال و جنوب، در امتداد خط الراس شرق شهر قدیمی قرار دارد. در آن سوی کوه زیتون، خارج از نقشه، احتمالاً جایی که بیت عنیا بود، جایی که عیسی با ایلعازر و خانواده‌اش وقت گذراند. باغ جتسیمانی، که به طور سنتی درست در شرق معبد واقع شده است.

گمان می‌کنم جایی درست در همین حوالی، می‌تواند در دوران باستان نیز وجود داشته باشد. بحث‌های زیادی در مورد محل مصلوب شدن عیسی وجود دارد. ما امروز مقبره‌ای را داریم که ژنرال گوردون فکر می‌کرد او آن را بنا کرده است، به نام کالواری گوردون در مقبره باغ، در شمال دروازه دمشق فعلی.

در حالی که در دوران باستان، احتمالاً دیوار شهر در همین حوالی بوده است. بنابراین، کلیسای مقبره مقدس شاید مکانی نباشد که همه پروتستان‌ها از آن لذت ببرند. از نظر تاریخی، سنت مربوط به محل دفن عیسی، در اینجا، بسیار محکم‌تر از هر چیز دیگری است که به این مکان در اینجا، در به اصطلاح آرامگاه باغ مربوط می‌شود.

بخش دیگری از سنت عیسی در اورشلیم، موضوع «ویا دولوروسا»، پرتو غم و اندوه است که پس از محکومیت عیسی توسط پیلاتس، جایی که او به صلیب کشیده شد، به آن اشاره دارد. اگر امروز به اورشلیم بروید، می‌توانید قدم بزنید و به جایگاه‌های مختلف صلیب که به طور سنتی از زمان عهد جدید اضافه شده‌اند، نگاه کنید. و آنها اساساً شما را از منطقه قلعه آنتونیا اورشلیم، گوشه شمال غربی کوه معبد قدیمی، اساساً به سمت غرب و کمی جنوب، به کلیسای مقبره مقدس می‌برند.

مشکل این است که فرض می‌کند عیسی واقعاً در قلعه آنتونیا محاکمه شده است، در حالی که در واقع ممکن است محاکمه عیسی در برابر پیلاتس در کاخ هیرودیس باشد، جایی که به نظر می‌رسد فرمانداران موقت رومی هنگام ورود به اورشلیم، که درست در جنوب آن، ویرانه‌های آن امروز، درست در جنوب دروازه یافا فعلی به اورشلیم است، در آنجا پرسه می‌زدند. بنابراین، برای اکثر مردم امروز به احتمال زیاد زمان عیسی قبل از پیلاتس در منطقه کاخ هیرودیس بوده است، بنابراین مسیر غم‌انگیز، هر چه که می‌خواهید آن را بنامید، احتمالاً بیشتر یک سفر به سمت شمال بوده است تا چیزی که اساساً از قلعه آنتونیا به غرب آمده باشد. بنابراین، اینجاست که سنت کلیسای فعلی تا حدودی از آنچه که به احتمال زیاد از نظر تاریخی متفاوت است، متفاوت می‌شود.

بنابراین، کوه معبد اینجا، اتاق فوقانی که به طور سنتی در این منطقه قرار دارد، باغ جتسیمانی، به طور سنتی، درست در اینجا با درختان زیتون، محل مصلوب شدن و دفن عیسی. خب، این چیزی است که ما در مورد آن خیلی مطمئن نیستیم. سنت احتمالاً در مورد کلیسای مقبره مقدس بیشتر از گلگتا گوردون به ما کمک می‌کند.

حالا که از مسائل جغرافیایی تاریخی به مسائل متنی می‌رسیم، چطور به انجیل یوحنا رسیدیم؟ قدیمی‌ترین نسخه خطی که تقریباً بخش زیادی از عهد جدید را در اختیار داریم، چه برسد به انجیل یوحنا، پاپیروس ۵۲ است. به این نسخه پاپیروس ۵۲ رکتو می‌گویند. اسلاید بعدی، پاپیروس ۵۲ ورسو، مربوط به نحوه افقی قرار گرفتن الیاف روی کاغذ است.

این مثل روی کاغذ است، وقتی الیاف به صورت افقی روی پاپیروس قرار دارند، نوشتن روی آن آسان‌تر از زمانی است که به صورت عمودی قرار دارند. بنابراین، این یک تکه کوچک مربوط به فصل ۱۸ یوحنا آیات ۳۳ تا ۳۳ است. و فقط بخش‌هایی از آن هنوز موجود است ۳۱.

بخش‌هایی که در ترجمه اینجا زیرشان خط کشیده شده، بخش‌هایی هستند که ما در نسخه خطی کلمات یونانی واقعی برای آنها داریم. به عنوان مثال، جمله‌ای که یهودیان به او گفتند، کشتن کسی برای ما جایز نوعی منفی مضاعف در یونانی که در ترجمه، oudena، در یونانی آمده است any نیست. در اینجا کلمه انگلیسی ارائه نشده است.

، را داریم، به این منظور که، بنابراین hannah در واقع، این در یونانی به معنی هیچ‌کس است. بنابراین، ما کلمه، خواهد بود logos، این کلمه.

و البته، بقیه کلمه لوگوس حذف شده است. بنابراین، ما آن را به ترتیب داریم، و این تمام چیزی است که در نسخه خطی داریم. بنابراین، بسیار جالب است که برخی افراد زندگی خود را وقف مطالعه این نوع چیزها می‌کنند و به ما کمک می‌کنند تا بقیه ما را که به این رشته بسیار مهم متعهد نیستند، درک کنیم.

مطمئن نیستم که تشخیص اینکه این تکه کاغذ کوچک واقعاً حاوی انجیل یوحنا است چقدر آسان بود، اما کاملاً واضح است که هست. این پشت همان تکه کاغذ با همان مطالب ناقص است، این بار از یوحنا ۱۸ داریم، هیچ چیزی از oudena آیات ۳۷ و ۳۸. توجه کنید که ما اینجا فقط حدود یکی دو حرف از کلمه نظر پیلاطس نیست.

، من هیچ ایرادی به عیسی نمی‌گیرم. بنابراین، از آنجایی که نسخه‌های خطی عهد جدید در دسترس ما هستند، نسخه‌های دیگری هم داریم که از نظر انجیل یوحنا بسیار کامل‌تر هستند. در اینجا انجیل یوحنا در پاپیروس ۶۶ از حدود سال ۲۰۰ میلادی آمده است.

و آن دسته از شما که می‌توانید یونانی بخوانید، می‌توانید عنوان آن را به وضوح اینجا ببینید، او آنجلیون کاتا این بخش درست اینجا بخشی از en arxe en o logos، ایوانین. و ما اینجا ابتدای انجیل یوحنا را داریم. یوحنا باب ۱۲ است.

genesthai، فرزندان خدا، exousion، authority، techna theou، او به کسانی که به او ایمان آوردند شدن را عطا کرد. یکی از کارهایی که نسخه‌های خطی باستانی انجام می‌دادند و به نظر نمی‌رسد ما دیگر زیاد nomina، انجام دهیم این است که آنها رویکرد مختصرنویسی نسبتاً جالبی برای نوشتن نام‌های مقدس sacra، هستند theou داشتند. این حروف اول و آخر شکل ملکی،

بنابراین، برای صرفه‌جویی در فضا و برجسته کردن این نام‌های مقدس، آنها حرف اول و آخر، در این مورد، تتا و اپسیلون، را برمی‌داشتند، و یک خط در بالای آن قرار می‌دادند تا نشان دهند که این یک نام مقدس یک نام خاص است. و علاوه بر آن، کمی در فضا صرفه‌جویی می‌کردند، کمی پاپیروس را در این فرآیند

صرفه‌جویی می‌کردند. امروزه ما مقدار زیادی کاغذ دور می‌ریزیم و متأسفانه، محل‌های دفن زباله را با آن پر می‌کنیم.

در دوران باستان، این [نسخه] بسیار ارزشمند بود. حالا که به نسل بعدی، فکر می‌کنم می‌توان گفت، به نگاه می‌کنیم که احتمالاً ۱۵۰ Codex Vaticanus نسخه‌های خطی یونانی عهد جدید می‌رسیم. اکنون به سال یا بیشتر از نسخه خطی قبلی که بررسی می‌کردیم، جدیدتر است.

می‌توان گفت کسی که این نسخه خطی را نوشته، فردی بوده که از نظر تلاش هنری، کمی فراغت و مهارت داشته است. بنابراین، انجیل یوحنا از اینجا شروع می‌شود. و در اینجا کمی تزئینات داریم.

اینگونه به پایان می‌رسد. اینکه جهان نمی‌تواند تمام انجیل یوحنا. en arxe en o logos، همان کلمات، طبق گفته یوحنا، همانطور که ما به پایان رسیده‌ایم، kata joannen، کتاب‌هایی را که باید نوشته شوند، در خود جای دهد.

بنابراین، اکنون مردم در کپی کردن نسخه‌های خطی متخصص شده‌اند، چه راهب باشند چه کاتب یا هر کس دیگری، راهبان کاتب، و آنها کار بسیار پر زرق و برقی انجام می‌دهند. ما از کل دوره نسخه‌های خطی عهد جدید، معروف به دوره کوچک، که در آن نسخه‌های خطی حتی پر زرق و برق‌تر و با دقت بیشتری انجام می‌شدند، عبور می‌کنیم و به آغاز عصر چاپ، حدود سال ۱۴۵۵، زمانی که دستگاه چاپ اختراع شد، می‌رویم. و کتاب مقدس گوتنبرگ منتشر شد، و اینجاست که انجیل یوحنا با کلمات "imprincipio erat verbum" می‌شود. آغاز می‌شود.

در ابتدا این کلمه به زبان لاتین بود، و با کمی دقت بیشتر در اینجا، کمی بیشتر از نزدیک، دوباره اینجاست. et dei erat verbum، کلمه با خدا بود، Verbum erat apudei.

بنابراین، تا زمان چاپ، نسخه‌های خطی عهد جدید با دست رونویسی می‌شدند و ما هزاران نسخه از آنها را داریم که می‌توان گفت وقتی در مورد انواع مختلف نسخه‌های خطی صحبت می‌کنیم، با انبوهی از اطلاعات مواجه می‌شویم. شاید سه مورد در انجیل یوحنا بدنام‌ترین باشند و شاید موارد دیگری نیز وجود داشته باشند که بتوان آنها را در اینجا اضافه کرد، اما شاید عاقلانه باشد که لحظه‌ای را صرف معرفی سوالات متنی با این نسخه‌های خطی کنیم. اول از همه، در یوحنا فصل ۱ و آیه ۱۸، در پایان پیشگفتار یا مقدمه انجیل یوحنا، جمله شگفت‌انگیزی را داریم که در مورد عیسی آمده است: هیچ کس هرگز خدا را ندیده است، یگانه و تنها، کلمه بعدی در اکثر نسخه‌ها پسر است، دیگران خدا را خواهند داشت.

خب، چطور دوست دارید آن را بخوانید؟ هیچ کس تا به حال خدا را ندیده است، جز خدای یگانه، یا پسر یگانه را می‌خوانید؟ بیایید هر دو حالت را امتحان کنیم. هیچ کس تا به حال خدا را ندیده است، جز پسر است. NIV یگانه که خودش خداست و در نزدیکترین رابطه با پدر است، او را شناسانده است. این از

نگاه می‌کنید، و برخی از نسخه‌ها برداشت‌های حاشیه‌ای با انواع متن به شما ارائه می‌دهند NIV اما اگر به می‌گویند هیچ کس تا به حال خدا را ندیده است، اما خدای یگانه که خود خداست و در نزدیکترین رابطه با پدر است، او را شناسانده است. وقتی به شواهد بیرونی برای این سوال نگاه می‌کنیم، آن را با شواهد درونی نیز مقایسه می‌کنیم. وقتی صحبت از نقد متنی می‌شود، شواهد بیرونی مربوط به سنت نسخه خطی است.

نسخه‌های خطی باستانی در این مورد چه می‌گویند؟ در واقع، هر دو قرائت را دارند. برخی از نسخه‌های را در اینجا دارند. در یونانی، هر دو کلمات چهار حرفی theos را دارند و برخی دیگر کلمه uios خطی کلمه Theta Epsilon Omicron Sigma در مقابل Upsilon Iota Omicron Sigma هستند.

همانطور که در اسلاید قبلی دیدیم، نام‌ها را با خط بالای آن خلاصه می‌کنند. ما اینجا در مورد دو حرف صحبت می‌کنیم. در نسخه خطی، یا نوشته شده بود آپسیلون سیگما یا نوشته شده بود تتا سیگما.

بنابراین، سوال شما به یک حرف در زبان یونانی مربوط می‌شود، چه حرف مورد نظر آپسیلون باشد چه تتا. اویوس یا تتوس مخفف آپسیلون سیگما یا تتا سیگما هستند. از نظر شواهد خارجی، نسخه‌های خطی که ما داریم، قدیمی‌ترین آنها معمولاً عبارت فقط خدا را دارند، کلمه تتوس را در آنجا دارند.

در نسخه‌های خطی جدیدتر، اگرچه تعداد زیادی از آنها وجود دارد، حروف کوچک معمولاً به جای خدا یک پسر را می‌خوانند. منتقدان متنی نیز در مورد این خوانش‌ها سؤالاتی مطرح می‌کنند و سعی می‌کنند بفهمند که کدام یک از آنها بر اساس آنچه آنها شواهد درونی می‌نامند، احتمالاً اصیل‌تر بوده است. سؤال این است که یوحنا به احتمال زیاد چه چیزی نوشته است؟ و اگر یوحنا به احتمال زیاد یک چیز نوشته باشد، آیا این توضیح می‌دهد که چگونه این خوانش‌های دیگر را به دست آورده‌ایم؟ بنابراین، دو چیز وجود دارد، با توجه به گرایش‌های او در جای دیگر، به احتمال زیاد چه چیزی نوشته شده است، و کدام خوانش به بهترین وجه، منشأ خوانش‌های دیگر را توضیح می‌دهد؟ بنابراین، می‌دانیم که یوحنا از اصطلاح تک همسری، یک و تنها، استفاده کرده است.

برخی ترجمه‌ها آن را فقط با کلمه پسر در متونی مانند یوحنا فصل ۳ آیه ۱۶ به معنای «مولود» می‌دانند. من فکر می‌کنم در اول یوحنا هم همینطور است. این تنها زمانی است که عبارت «تتوس تک همسری»، خدای یگانه و واحد، آمده است.

بنابراین، شما می‌گویید، خب پس کاملاً محتمل است که او نوشته باشد «یک پسر تنها». «خب، شاید با این طرز فکر، این درست باشد. اما چه کسی عمداً «یک پسر تنها» را به «خدای تنها» تغییر داده است، زیرا ما اینجا یک عبارت بسیار رایج از یوحنا داریم؟ از این نظر، «خدای تنها» بهتر توضیح می‌دهد که چرا کسی گفته است، خب، این کمی عجیب است.

این غیرمعمول است. حتماً کسی اشتباهه کپی کرده است. بیایید کلمه تتا، حرف تتا، را به آپسیلون تغییر دهیم. تا یک و تنها پسر داشته باشیم.

بنابراین، اگر تغییر عمدی داشته باشیم، خدای یگانه و واحد در این زمینه، خیلی بهتر می‌تواند دلیل ظهور عبارت «پسر یگانه» را توضیح دهد. اما همیشه این احتمال هم وجود دارد که اتفاقی که افتاده غیرعمدی بوده باشد. کاتبی که زبان یونانی را خوب نمی‌دانسته یا، نمی‌دانم، شاید به دلیل پرخوری برای ناهار یا هر چیز دیگری، نیمه‌خواب بوده، شاید ناخواسته اشتباه کرده و به جای تتا سیگما، آپسیلون سیگما نوشته باشد. یا برعکس.

نکته‌ی جالب در مورد این آیه این است که در هر صورت، هر دو به شیوه‌ای بسیار والا از عیسی به عنوان پسر خدا سخن می‌گویند، به شیوه‌ای که با الهیات والای یوحنا مطابقت دارد. اگر این قرائت جایگزین را بپذیریم که متن در واقع به خدای یگانه اشاره دارد، شاید باید کمی متفاوت نیز نقطه‌گذاری کنیم. بنابراین می‌توانیم آیه را این‌گونه بخوانیم: هیچ‌کس هرگز خدا را ندیده است، اما خدای یگانه، که خود خداست و نزدیکترین رابطه را با پدر دارد، او را شناسانده است.

هر چه که در مورد آن فکر می‌کنید، فقط توجه داشته باشید که این یک بحث و مناظره است و می‌توانید در زمان‌های آینده بیشتر به آن بپردازید. یکی دیگر از نمونه‌های جالب متنی در انجیل یوحنا در فصل ۵ یوحنا با شفای مرد در استخر بتسدا رخ می‌دهد. ظاهراً در آن زمان این فکر وجود داشته است که فرشته‌ای

در حال به هم زدن آب استخر است و وقتی استخر به این شکل به هم می‌خورد، آب قل قل می‌کرد یا موج می‌زد یا هر چیز دیگری، و اولین کسی که می‌توانست وارد آن شود، شفا می‌یافت.

بنابراین، همانطور که روایت داستان را می‌خوانید، چیزی شبیه به این خوانده می‌شود. مدتی بعد، عیسی برای یکی از اعیاد یهودی به اورشلیم رفت. اکنون در اورشلیم، نزدیک دروازه گوسفند، استخری وجود دارد که به زبان آرامی به آن بیت‌حسدا می‌گویند و با پنج رواق سرپوشیده احاطه شده است.

که من می‌خوانم NIV در اینجا تعداد زیادی از افراد معلول، نابینا، لنگ و فلج، دراز کشیده بودند. در نسخه و در اکثر نسخه‌های انگلیسی فعلی، از آنجا به آیه ۵ پرش می‌شود. کسی که آنجا بود، ۳۸ سال معلول بود اما خوانش طولانی‌تری از این متن وجود دارد که در نسخه کینگ جیمز متوجه خواهید شد که مطالب اضافی در آیه ۴ دارد. در اینجا تعداد زیادی از افراد معلول، نابینا، لنگ و فلج، دراز کشیده بودند.

این بخش اضافی است. و آنها منتظر حرکت آب بودند. هر از گاهی فرشته‌ای از جانب خداوند نازل می‌شد و آب را به هم می‌زد.

اولین کسی که پس از چنین آشفتگی وارد استخر می‌شد، از هر بیماری که داشت شفا می‌یافت. یکی از افرادی که آنجا بود و ۳۸ سال بیمار بود، وقتی عیسی او را دید که آنجا افتاده بود و فهمید که مدت زیادی است که در این وضعیت است، از او پرسید: «آیا می‌خواهی خوب شوی؟» «مرد بیمار گفت:» آقا، من کسی را ندارم که وقتی آب به هم می‌خورد، به من کمک کند تا وارد استخر شوم.» در حالی که سعی می‌کردم وارد شوم، کسی از من جلوتر رفت.

بنابراین، سوال این است که آیا این موضوع که فرشته آب را به هم می‌زد، واقعاً حقیقت داشت و واقعاً اتفاق می‌افتاد، آیا این فقط یک افسانه عامیانه، یک افسانه رایج، یا ایده‌ای بود که مردم داشتند. به هر حال، آنها سعی می‌کنند به هر امیدی که برای شفا یافتن دارند، چنگ بزنند. و آنها این دیدگاه رایج را داشتند که فرشتگان این کار را انجام می‌دهند.

بنابراین، وقتی به این متن نگاه می‌کنیم، چه این قرائت طولانی‌تر را با بسط انتهای آیه ۳ به آیه ۴ داشته باشیم، باز هم از دیدگاه شواهد بیرونی، تعداد نسخه‌های خطی که قرائت کوتاه‌تری دارند که به فرشته در حال تکان دادن آب اشاره نمی‌کند، کمتر از نسخه‌های خطی است که این قرائت را دارند. اما نسخه‌های خطی که این قرائت را دارند به آن قدمت نیستند. بنابراین، تعداد نسخه‌های خطی قدیمی‌تری داریم که قرائت طولانی‌تر را حذف کرده‌اند.

ما نسخه‌های خطی بیشتری داریم، اما آنها نسبتاً جدیدتر هستند که شامل آن نیز می‌شوند. محققان متون معمولاً شهادت‌های قدیمی‌تر یا موارد دیگر را ترجیح می‌دهند. از دیدگاه شواهد داخلی، حدس می‌زنم می‌خواهیم از خودمان این سؤال را بپرسیم که چگونه چیزی به این بزرگی، به این بزرگی، که از نظر چندین کلمه در اینجا، مانند کل این متن، منتظر حرکت آب بوده و فرشته خداوند نازل شده و آب‌ها را حرکت داده است.

اولین کسی که پس از هر آشفتگی وارد استخر می‌شد، از هر بیماری که داشت، شفا می‌یافت. چیزی به آن بزرگی نه ناخواسته از متن حذف شده بود و نه به شکلی ناخواسته اضافه شده بود. بنابراین ما در اینجا به چیزی نگاه می‌کنیم که آشکاراً کاملاً عمدی بوده است.

بنابراین، از نظر شواهد درونی، لازم نیست نگران تصادفی بودن آن باشیم. چه برداشتن آن و چه گذاشتن آن عمدی است. در اینجا، فکر می‌کنم اکنون شروع به تفکر در مورد الهیات کتاب مقدسی، آنطور که ما آن را

درک می‌کنیم، و اینکه چگونه خدا از فرشتگان برای تحقق اراده خود با قومش استفاده می‌کند، بر اساس شواهد درونی می‌کنیم.

گذشته از همه اینها، کتاب عبرانیان به ما می‌گوید، آیا همه آنها ارواح خدمتگزار نیستند که برای خدمت به کسانی که وارثان نجات خواهند بود، فرستاده می‌شوند؟ بنابراین، از آنچه ما در مورد نحوه استفاده فرشتگان توسط خدا در بقیه کتاب مقدس می‌دانیم، آیا آنچه در اینجا در یوحنا ۵، آیه ۴ در این جلسه مطالعه طولانی‌تر می‌خوانیم، با آنچه به نظر می‌رسد در مورد شخصیت خدا و نقشه او برای فرشتگان می‌دانیم، مطابقت دارد؟ فکر می‌کنم گرام، فرشتگان را مأموران مخفی خدا نامید. این کلمه بسیار خوبی برای آنها بود، اینطور نیست؟ بنابراین، آیا یک مأمور مخفی الهی وجود داشت که آب را به هم می‌زد و سپس می‌نشست و تماشا می‌کرد تا ببیند چه کسی می‌تواند اول وارد شود تا آنها را شفا دهد؟ نمی‌دانم شما این رویداد را چگونه تصور می‌کنید، اما تقریباً برای من مانند یک طرح مونت پایتون به تصویر کشیده می‌شود.

شاید اسم گروه کم‌دی بریتانیایی مانتی پایتون را نشنیده باشید، اما آنها کارهای مسخره و دیوانه‌وار زیادی انجام می‌دادند، و این تقریباً به نظر من شبیه کاری است که آنها انجام می‌دهند. صادقانه بگویم، باید به شما بگویم که در نگاه اول، به نظر من این روشی نیست که خدا با فرشتگان در کتاب مقدس رفتار می‌کند. به نظر می‌رسد این در واقع روشی نسبتاً بی‌رحمانه برای خداست که فقط به شخصی که به نحوی می‌تواند خود را در معرض خطر قرار دهد، شفا دهد.

تمام افراد بیچاره و بدبخت دیگری که آنجا بودند و سعی در شفا یافتن داشتند، ناامید می‌شدند، چون نمی‌توانستند به سرعت آن شخص دیگر، خودشان را به آب بیندازند. بنابراین، به نظر من، این از آزمون درونی سربلند بیرون نمی‌آید. به نظر من، از نظر شواهد درونی، این واقعاً همان چیزی نیست که خدا می‌خواست در کلامش نوشته شود.

بنابراین، ممکن است که این موضوع مربوط به یک یادداشت حاشیه‌ای بوده باشد که بعداً به آن اضافه شده است. کاتبی که آن را می‌نوشت، در حاشیه یادداشتی نوشت مبنی بر اینکه به همین دلیل منتظر بوده‌اند. آنها این خرافه رایج را داشتند.

این چیزی است که آنها فکر می‌کردند، اما من فکر نمی‌کنم که شخصاً بپذیرم که این در اصل بخشی از انجیل یوحنا است، زیرا از نظر من از آزمون بویایی الهیاتی سربلند بیرون نمی‌آید. ممکن است شما در این مورد متفاوت باشید. ما در اینجا سعی نداریم جزم‌اندیش باشیم، بلکه سعی می‌کنیم شما را به فکر کردن در مورد این مسائل سوق دهیم.

بنابراین، در اینجا یکی دیگر از مسائل متنی در یوحنا وجود دارد که هنگام مطالعه فصل پنجم، اطلاعاتی در مورد آن خواهید یافت. شاید بزرگترین مسئله در یوحنا، مسئله متنی، در یوحنا فصل هفتم، آیه آخر فصل هفتم و سپس 11 آیه اول فصل هشتم باشد. داستان زنی که در حین عمل زنا دستگیر شد و به عنوان بهانه‌ای برای به دردرس انداختن عیسی آورده شد، تا او را وادار به گفتن چیزی کند که بحث‌برانگیز باشد، تا او را وادار به گفتن چیزی کند که شاید با موسی در تضاد باشد، تا او را به دردرس بزرگی بیندازد.

نامیده می‌شود. این کلمه لاتین به معنای pericope de womanerer، بنابراین، یوحنا ۷:۵۳ تا ۸:۱۱ اغلب را حذف کنید و آن را de است، و می‌توانید حرف اضافه pericope of the woman of the woman را حذف کنید. در مورد زن زناکار pericope، قرار دهید. شما همان چیز را دارید، womanery، در حالت ملکی.

بنابراین، از نقطه نظر شهادت بیرونی، یک بار دیگر، آیه دوم، همانند آیه اول، نسخه‌های خطی قدیمی‌تر شامل این بخش، این بخش، نمی‌شوند. بسیاری از نسخه‌های خطی آن را شامل می‌شوند، اما آنها نسخه‌هایی

هستند که نسبتاً جدیدتر هستند. اینها نسخه‌هایی هستند که در نسخه مجاز، نسخه شاه جیمز در آن زمان، به اصطلاح تگزاس رسپتوس، در دسترس بوده‌اند.

بنابراین آن نسخه‌های خطی نسبتاً معدود، که نسبتاً متأخر هستند، این را در خود داشتند، بنابراین خود را در نسخه شاه جیمز وارد کردند. با این حال، صحنه پریکوپ در نسخه‌های خطی قدیمی‌تری که عمدتاً در دسترس هستند، یافت نمی‌شود، بنابراین بسیاری از محققان در مورد صحت قرائت از دیدگاه شواهد خارجی شک دارند. نکته جالب دیگر در مورد شواهد خارجی در مورد این پریکوپ این است که برخی از نسخه‌های خطی که آن را دارند، آن را در جاهای دیگری از انجیل یوحنا وارد کرده‌اند.

برخی از نسخه‌های خطی که این عبارت را دارند، آن را در جاهای دیگری از انجیل لوقا نیز وارد کرده‌اند. این به نوعی، نوعی صحنه شناور است که در سنت نسخه‌های خطی در سه یا چهار جای مختلف ظاهر می‌شود، علاوه بر جایی که در بیشتر نسخه‌های خطی که آن را اینجا در یوحنا ۷ و یوحنا ۸ دارند، آن را می‌یابیم. نکته جالب دیگر در مورد این نسخه خطی از نظر شواهد خارجی این است که بسیاری از نسخه‌های خطی که آن را شامل می‌شوند، آن را در حاشیه علامت‌گذاری کرده‌اند. آنها در دوران باستان ستون‌های هرمی شکل در امتداد حاشیه یک قرائت مورد اختلاف قرار می‌گرفتند، و برخی از نسخه‌های خطی که این عبارت را در خود دارند، آن را شامل شده‌اند اما آن را علامت‌گذاری کرده‌اند.

بنابراین، همانطور که یک خواننده اینجا مراقب است، این ممکن است موضوع اصلی نباشد. از دیدگاه شواهد داخلی، کلمات منحصر به فرد زیادی در اینجا وجود دارد که فقط در اینجا در انجیل یوحنا آمده‌اند و برخی موارد، جمله‌بندی به گونه‌ای انجام شده است که باعث می‌شود مردم فکر کنند چیزی نیست که نویسنده اصلی یوحنا آن را به این شکل خاص با استفاده از این کلمات خاص نوشته باشد. به نظر من، مهمترین چیز در مورد پریکوپ، که باعث می‌شود فکر کنم در اصل بخشی از انجیل یوحنا نبوده است، روشی است که به نوعی مانع داستان می‌شود.

اگر داستان را از باب ۷ تا ۸ یوحنا بخوانید، دوران بسیار پراشوبی در خدمت عیسی است. او به اورشلیم آمده و برای جشن سوکوت خیمه بوت آنجاست، و بنابراین شروع به تعلیم دادن می‌کند و مردم فقط به هر طرف می‌روند و به او پاسخ می‌دهند. برخی فکر می‌کنند او مسیح است، برخی اینطور فکر نمی‌کنند، برخی فکر می‌کنند او صلاحیت مسیح بودن را ندارد زیرا اهل بیت لحم نیست، و وقتی داستان را در باب ۷ یوحنا می‌خوانید، همه این نظرات مسیحایی وجود دارد. بنابراین، باب ۷ رهبران مذهبی را به تلاش برای دستگیری عیسی سوق می‌دهد تا بتوانند او را بیاورند و او را بازجویی کنند، اما گروه دستگیری که آنها می‌فرستند دقیقاً او را دستگیر نمی‌کنند.

در واقع، افرادی که برای دستگیری او فرستاده شده بودند، آشکارا در تمام آموزه‌های او چنان ماهر بودند که قادر به انجام این کار نبودند. بنابراین، آن داستان از سال ۷۴۵ آغاز می‌شود. نگهبانان معبد نزد کاهنان اعظم و فریسیان بازگشتند و آنها از آنها پرسیدند که چرا او را نیاوردید؟ نگهبانان پاسخ دادند که هیچ‌کس هرگز مانند این مرد صحبت نکرده است.

فریسیان با عصبانیت گفتند: «منظورت این است که او شما را هم فریب داده است.» آیا هیچ یک از بزرگان فریسیان به او ایمان آورده‌اند؟ خیر. این جماعت که از شریعت چیزی نمی‌دانند، نفرین شده‌اند.

بنابراین حالا دوست ما نیکودیموس دوباره در ساعت ۷:۵۰ ظاهر می‌شود. نیکودیموس، که قبلاً نزد عیسی رفته بود و یکی از خودشان بود، پرسید: آیا شریعت ما کسی را بدون اینکه اول حرف‌هایش را بشنود و بفهمد چه کار کرده است، محکوم می‌کند؟ آنها پاسخ دادند: آیا تو هم اهل جلیل هستی؟ به آن نگاه کنید،

خواهید دید که پیامبری از جلیل برنمی‌خیزد. حال اگر مستقیماً از آن به فصل ۸ آیه ۱۲ برویم، به عیسی برمی‌گردیم.

عیسی دوباره با مردم صحبت کرد. او گفت من نور جهان هستم. هر که از من پیروی کند، در تاریکی راه نخواهد رفت.

او نور حیات را خواهد داشت. فریسیان او را به چالش کشیدند، ۸:۱۳، در اینجا تو به عنوان شاهد خودت ظاهر می‌شوی، شهادت تو معتبر نیست. وقتی متن را از ۷:۵۲ تا ۸:۱۲ به این شکل می‌خوانید، به نظر می‌رسد که متن منطقی است.

با این حال، وقتی آن را از جمله آیه ۷:۵۳ تا فصل ۸ آیه ۱۱ می‌خوانید، به نظر می‌رسد که به شکلی کاملاً عجیب، به عقب و جلو می‌رود. بنابراین اگر صحنه مربوط به زن زناکار را هم در نظر بگیریم، به این شکل خواهد بود. نیکودیموس نظر خود را بیان می‌کند، آیا نباید حداقل، می‌دانید، قبل از تصمیم‌گیری بفهمیم که او چه کار می‌کرده است؟ آنها پاسخ دادند، آیا شما هم اهل جلیل هستید؟ به آن نگاه کنید، متوجه خواهید شد که پیامبری از جلیل ظهور نمی‌کند.

سپس همه آنها به خانه‌هایشان رفتند، اما عیسی به کوه زیتون رفت. هنگام سپیده دم، او دوباره در صحن معبد ظاهر شد. بنابراین، درست همین جاست، آن تغییر ناگهانی کوچک از رفتن آنها به خانه، اما رفتن عیسی به کوه زیتون.

سپس او روز بعد دوباره ظاهر می‌شود. انگار اتفاقات زیادی همزمان رخ می‌دهند و به نظر می‌رسد وحدت ادبی متن از بین رفته است. در پایان نیز همین اتفاق می‌افتد، زیرا عیسی با رهبران درباره زن و با زن درباره رهبران صحبت کرده است.

وقتی که شما پریکوپ را می‌خوانید، همانطور که به یاد دارید، او چندین بار روی زمین می‌نویسد. و او در فصل ۸، آیه ۷، جمله‌ی تعیین‌کننده‌ای را بیان می‌کند، هر یک از شما که بی‌گناه است، اولین کسی باشد که سنگی پرتاب می‌کند. و سپس او دوباره روی زمین می‌نویسد، مردم به تدریج شروع به جنب و جوش می‌کنند و دور می‌شوند، بنابراین فقط عیسی و زن باقی می‌مانند.

آنها تنها دو نفر آنجا هستند، بقیه طبق فصل ۸، آیه ۹ رفته‌اند. در این لحظه، عیسی راست می‌شود و به زن می‌گوید، آنها کجا هستند؟ آیا کسی تو را محکوم نکرده است؟ زن می‌گوید، هیچ‌کس، آقا. پس من هم تو را محکوم نمی‌کنم، او می‌گوید، برو و زندگی گناه‌آلودت را ترک کن. آیه ۱۲، وقتی عیسی دوباره با مردم صحبت کرد، چه مردی؟ همه مردم رفتند، دیگر کسی آنجا نیست، فقط عیسی و زن.

بنابراین، دوباره، به نظر می‌رسد که کمی تغییر ناگهانی وجود دارد، نه تنها از ۷:۵۲ به بخش حاشیه‌ای، بلکه همچنین وقتی از این بخش به بقیه انجیل از فصل ۸، آیه ۱۱ به فصل ۸، آیه ۱۲ می‌روید. بنابراین، به همین دلیل، شواهد خارجی و داخلی به طور یکسان، فکر می‌کنم اکثر محققان به این نتیجه رسیده‌اند که ۷:۵۳ تا واقعاً در این بخش از انجیل یوحنا جای نمی‌گیرد، در اصل بخشی از متن نبوده است. بنابراین، از این ۸۱۱ نظر، مانند بخش حاشیه‌ای است که ما در فصل ۵، آیات ۳ و ۴ به آن نگاه کردیم. با این حال، شواهد داخلی به معنای وسیع‌تر تفکر در مورد چگونگی مطابقت این با سایر آموزه‌های عیسی، در اینجا در یوحنا ۷ و ۸ کاملاً متفاوت از فصل ۵ است. بسیاری از مردم وقتی یوحنا ۷ و ۸ را می‌خوانند و داستان زنی را که در زنا ربوده شد می‌خوانند، نتیجه می‌گیرند که عیسی واقعاً در اینجا مانند خودش صحبت می‌کرده است.

این چیزی است که با الهیات عیسی، آنطور که ما در جای دیگری از کتاب مقدس می‌شناسیم، مطابقت دارد، و با آن سازگار است. نه کسی که در مورد گناه سازش کند، بلکه کسی که نسبت به گناهکاران مهربان است کسی که در سخنانش با افراد مذهبی و رهبران مذهبی بسیار سنگدل است، اما تمایل دارد با مردم عادی که در گناه گرفتار شده‌اند اما مایل به بازگشت از آن هستند، بسیار مهربان و ملایم باشد. بنابراین، این سخنان پایانی عیسی به آن زن: «همانطور که کسی تو را محکوم کرد، نه، من هم چنین نمی‌کنم. اکنون برو و زندگی گناه‌آلودت را ترک کن»، به نظر می‌رسد ترکیبی بی‌نقص، ترکیبی بی‌نقص، راهی بی‌نقص برای ایجاد تعادل بین عدالت و لطف، راهی بی‌نقص برای حفظ استاندارد بالا، و همچنین نشان دادن بخشش به کسی است که مایل به بازگشت از گناه است.

به همین دلیل، و از شواهد خارجی مبنی بر اینکه این متن در کتاب‌های دیگر عهد جدید و برخی از نسخه‌های خطی باستانی یافت می‌شود، بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که این متن در اصل به یک روایت واقعی از روزگار عیسی مرتبط بوده است، که این واقعاً اتفاق افتاده است. بنابراین، این متن پراکنده متنی خواهد بود که در کلیسای اولیه به همراه سایر روایات مربوط به عیسی در گردش بوده و هرگز جایگاه واقعی خود را در نوشته‌های اصلی عهد جدید نیافته است، بلکه در نهایت خود را در نسل دوم یا سوم کپی‌برداری از نسخه‌های خطی عهد جدید یافته است. به همین دلیل، احتمالاً این حقیقت را از عیسی تاریخی نشان می‌دهد، اما چیزی نیست که در ابتدا در انجیل یوحنا رخ داده باشد.

«بنابراین آن دسته از شما که الان به ویدیو گوش می‌دهید، و با یک آموزه بسیار قوی از «تنها کتاب مقدس آن را تماشا می‌کنید، ممکن است شک کنید که اصلاً باید این متن را در کلیسا تدریس (sola scriptura) کنید. من حدس می‌زنم که کمی معتدل‌تر از این باشم و متن را به همان شکل تدریس کنم، در عین حال آگاه باشم که تا جایی که ما می‌دانیم، این متن در اصل در انجیل یوحنا نبوده است. بنابراین، این دومین ویدیوی ما در مورد انجیل یوحنا و معرفی آن را به پایان می‌رساند.

در این ویدیو درباره موقعیت تاریخی یوحنا، چگونگی رسیدن آن به دست ما، برخی از ویژگی‌های جغرافیایی کتاب و همچنین نحوه رسیدن کتاب به دست ما و برخی از مشکلات متنی صحبت کردیم. امیدواریم از آن لذت برده باشید. به زودی شما را برای فصل اول یوحنا خواهیم دید.

من دکتر دیوید ترنر هستم در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا. این جلسه شماره دو، مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا، بخش دوم، مسائل تاریخی و متنی است.